ارز ۴۲۰۰ تومانی و بودجه ۱۴۰۰

سید امیرحسین شکرآبی

از شروع تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای وارداتی بیش از دو سال و نیم می‌گذرد، دقیقا در فروردین ۹۷، زمانی که نرخ ارز به محدوده هفت هزار تومان رسید، دولتمردان در پی یک تصمیم عجولانه (که جزئیات آن در رسانه‌ها منتشر شد) تصمیم گرفتند با میخکوب کردن نرخ ارز و ممنوع کردن خرید و فروش در بازار، قیمت دلار را به محدوده چهار هزار تومان برگردانند. البته نتیجه آن چیزی نبود که دولت پیش‌بینی می‌کرد. در واقع، در پی این تصمیم، موج فراگیری از درخواست‌ها برای واردات شکل گرفت که دلیل اصلی آن، ارزان بودن نرخ دولتی ارز نسبت به نرخ بازاری آن بود. چنانچه در همان اثنا، وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت از ثبت سفارش ۲۵۰ میلیارد دلار کالا برای واردات در چهار ماه نخست سال ۹۷ (حدود سه برابر واردات سالانه) خبر داد! البته که، نه دولت توان چنین تخصیصی را داشت، و نه این چنین کاری منطقی بود، اما با همه این اوصاف حدود ۱۹ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی در بهار ۹۷ برای واردات کالاها تخصیص یافت.

به عبارتی، بخش مهمی از این ۱۹ میلیارد دلار یک نوع «هدررفت» منابع به حساب می‌آمد که به دلیل غیرقانونی بودنِ استفاده از دلار در بازار آزاد چاره‌ای جز پرداخت آن وجود نداشت. تخلیه منابع ارزی به‌گونه‌ای پیش رفت که دولت نیز متوجه ریل‌گذاری اشتباه خود در میانه سال ۹۷ شد، چنانچه با تغییر رئیس کل بانک مرکزی و راه‌اندازی بازار ثانویه ارزی (سامانه نیما) امکان واردات کالاها با نرخ جدید دلار (نرخی که صادرکننده و واردکننده با نظارت دولت به توافق می‌رسیدند) امکان‌پذیر شد و تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی صرفا به کالاهای اساسی محدود شد.

اما از همان زمان کم‌کم نتایج منفی تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی نیز در معیشت مردم مشخص شد؛ از آنجا که کالاهای اساسی با ارز ۴۲۰۰ تومانی به دست مردم نمی‌رسید، این تصور پر رنگ شد که یک‌جای کار می‌لنگد. با این حال، دولت تصمیم گرفت در سال ۹۸ نیز پرداخت ارز ۴۲۰۰ تومانی را برای کالای اساسی با ۲۱ میلیارد دلار ادامه دهد! و علیرغم تکرار نتایج فوق در سال ۹۸، این کار را در سال ۹۹ با ۹ میلیارد دلار تکرار کرد!! چند روز پیش هم محمدباقر نوبخت در حاشیه جلسه ستاد بودجه ۱۴۰۰ در جمع خبرنگاران اعلام کرد: «امسال با شرایط سخت نفت را صادر کرده‌ایم و سال آینده نیز چنین خواهیم کرد و سیاست دولت برای تأمین کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم در سال آینده تأمین آن با ارز ۴۲۰۰ تومانی است.» به عبارتی، آن طور که تاحالا مشخص شده، دولت برای چهارمین سال پیاپی تصمیم دارد ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی تخصیص دهد.

تاثیر منفی روی ثبیت قیمت‌ها

همان طور که‌اشاره شد، قیمت کالاهای اساسی براساس ارز ۴۲۰۰ تومانی به دست مردم نمی‌رسید؛ نگاهی به افزایش قیمت‌هایی که طی دو سال اخیر در این کالاها رخ داده، نشان می‌دهد ارز دولتی نتوانسته افزایش تاثیر افزایش نرخ ارز را جبران کند. در همین زمینه، بررسی‌های صورت‌گرفته توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که قیمت کالاهای اساسی در دو سال گذشته افزایش قابل توجهی داشته است، به طوری‌که حتی کالاهایی مثل گوشت و مرغ که ارز ترجیحی نیز دریافت می‌نمایند رشد قیمت بالای ۱۰۰ درصدی را تجربه نموده‌اند!

براین اساس در این بازه زمانی (فروردین ۹۷ تا مرداد ۹۹)، «لوبیا چیتی» و «عدس» در خانواده حبوبات به ترتیب ۱۳۱ درصد و ۱۸۹ درصد، «ماست پاستوریزه» و «شیر پاستوریزه» در خانواده لبنیات به ترتیب ۱۴۳ درصد و ۱۵۵ درصد و «گوشت گوسفند» و «گوشت گاو یا گوساله» در خانواده پروتئین‌ها به ترتیب ۱۴۵ درصد و ۱۲۱ درصد رشد قیمت داشته‌اند. همچنین «قند»، «شکر» و «برنج خارجی درجه یک» نیز به ترتیب ۱۶۱ درصد، ۱۷۶ درصد و درصد ۱۴۴ گران شده‌اند. جالب اینجاست که برخی کالاها نظیر «رب گوجه فرنگی» و «چای بسته بندی خارجی»، بیش از ۲۰۰ درصد گران شده‌اند به ترتیب رشد ۲۰۰ درصد و ۲۰۲ درصدی را ثبت کرده‌اند.

سود رانت‌خواران

آمارهای فوق نشان می‌دهد، برخی واردکنندگان کالاهای اساسی، کالاهای وارداتی خود را، به جای قیمتی متناسب با ارز ۴۲۰۰ تومانی، با قیمت بازار آزاد می‌فروشند! چنانکه چندی پیش مجید موافق قدیری، رئیس انجمن صنایع خوراک دام و طیور با اشاره به سوءاستفاده از نهاده‌های دامی دولتی گفته بود: «برخی از تولیدکنندگان شیر و گوشت و تخم‌مرغ، نهاده دولتی را در بازار غیررسمی به فروش می‌رسانند.» جالب‌تر اینجاست که برخی که کالاها را با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌کنند، قیمت خود را بالاتر از نرخ‌های بازار آزاد قرار می‌دهند! به عنوان نمونه، حداکثر قیمت هر تن کنجاله سویا در بورس شیکاگو ۳۷۰ دلار است که با در نظر گرفتن نرخ دلار در بازار آزاد که حدود ۲۸ هزار تومان است قیمت هر کیلوگرم از این محصول حدود ۱۰ هزار تومان می‌شود که با توجه به قیمت ۱۷ هزار تومانی نهاده‌های دامی در داخل کشور، متوجه می‌شویم قیمت جهانی کنجاله سویا تقریبا نصف داخل است؛ یعنی علیرغم دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی، نهاده‌های دامی با ارز ۴۵ هزار تومانی به فروش می‌رسد!

حال، سؤال اصلی اینجاست که اگر قرار بود با تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی باز هم شاهد افزایش قیمت‌ها یا کمبود کالاهای اساسی باشیم، اصلا پرداخت این ارز چه لزومی داشت؟ به سخن دیگر، در حال حاضر این ارز که نتوانسته قیمت‌ها را ثابت نگه دارد، چه دستاوردی جز «منبع رانت برای عده‌ای» و «هدررفت منابع» داشته است؟ از آن مهم‌تر، اگر قرار است با تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی شاهد گرانی بیشتری نسبت به تامین کالاهای اساسی در بازار آزاد باشیم، چه توجیهی برای تخصیص این ارز به کالاهای اساسی خواهیم داشت؟ از طرف دیگر، بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که متوسط مصرف کالاهای اساسی در سال‌های اخیر کاهش قابل توجهی یافته است. برای مثال مصرف «برنج خارجی» هشت درصد، «گوشت گوساله» ۲۰ درصد، «گوشت گوسفند» ۲۹ درصد، «روغن نباتی» شش درصد و «قند و شکر» چهار درصد در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. این کاهش‌ها برای دهک‌های پایین درآمدی به مراتب بیشتر نیز بوده است.

با توجه به رانت‌زا بودن ارز ۴۲۰۰ تومانی، بسیاری از کسانی که از این رانت‌ها برخوردارند و می‌توانند به این ارز دسترسی داشته باشند، با سوءاستفاده خود، زمینه کمبود کالاهای اساسی با قیمت ارز ۴۲۰۰ تومانی را برای سایر کسانی که از کالاهای اساسی به عنوان مواد اولیه استفاده می‌کنند، فراهم می‌نمایند. حالا صنوف مختلفی که در زمره دریافت‌کنندگان ارز ۴۲۰۰ تومانی قرار دارند، مدعی کمبود نهاده‌ها هستند. چنانچه چند روز پیش حبیب اسدالله‌نژاد، با اشاره به افزایش قیمت مرغ به کیلویی ۲۵ هزار تومان، گفت: «افزایش هزینه‌های تولید و کمبود نهاده‌های مورد نیاز تولیدکنندگان دلیل اصلی این مسئله است.»

در نمونه‌ای دیگر تولیدکنندگان روغن درخواست افزایش قیمت داده‌اند، درخواست افزایش قیمت روغن توسط کارخانه‌ها در حالی است که واردات روغن خام توسط کارخانه‌ها هنوز با ارز ترجیحی یا همان ارز ۴۲۰۰ تومانی انجام می‌شود و به گفته محمدرضا کلامی دبیر ستاد تنظیم بازار در نیمه اول سال ۹۹ از ۴,۴ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای واردات روغن خام و چهار نهاده دامی ۳,۵ میلیارد دلار اختصاص یافته و از این مبلغ سه میلیارد دلار تامین شده است.

ارزهایی که بر باد رفت!

متاسفانه مشکل مذکور منحصر به گرانی کالاهای اساسی نیست؛ و مشکلات عمیق‌تری هم وجود دارد. مشکل عمیق‌تر این است که بانک مرکزی ارز ۴۲۰۰ تومانی را تامین می‌کند، اما برخی از کسانی که ارز را برای واردات دریافت می‌کنند، ارز خود را در بازار آزاد می‌فروشند (یعنی هیچ کالایی وارد نمی‌کنند) در واقع، برخی افرادی که زمینه را برای سوءاستفاده از رانتِ ایجاد شده مهیا دیدند، تصمیم گرفتند برای واردات کالاهای اساسی، ارز ۴۲۰۰ تومانی دریافت کنند اما آن ارز را به قیمت‌های بازار آزاد (که حداقل سه برابر نرخ دولتی بود) به فروش برسانند، بدون اینکه اصلا کالایی وارد کشور کنند.

براساس اعلام دیوان محاسبات حدود پنج میلیارد دلار دچار چنین سرنوشتی شده است. در گزارش دیوان محاسبات آمده است: «بر اساس رسیدگی‌ها و داده کاوی اطلاعات مندرج در سامانه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران و وزارت صنعت، معدن و تجارت، «تأمین ارز به نرخ دولتی ۴۲,۰۰۰ ریالی برای واردات کالاهای اساسی و غیراساسی در سال ۱۳۹۷» بابت واردات کالاها و خدمات اساسی و غیر اساسی معادل سی و یک میلیارد و چهارصد و شانزده میلیون ۳۱,۴۱۶,۰۰۰,۰۰۰ دلار ارز به نرخ دولتی تأمین شده است.» در این باره، محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز گفته بود: «حدود چهار میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار از منابع ارز ۴۲۰۰ تومانی بدون تعیین تکلیف باقی مانده است، با این منابع تاکنون نه کالایی وارد کشور شده و نه این مبلغ تصفیه شده است و در حقیقت این ارز تنها باعث ایجاد رانت برای کسانی شد که در آن زمان نسبت به ثبت سفارش کالا اقدام کرده بودند.»

تبعات تورمی

با توجه به کاهش درآمدهای نفتی که منبع اصلی تامین ارز ۴۲۰۰ تومانی هستند تامین و تهیه ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی دچار سختی شد؛ در حقیقت درآمدهای ارزی به قدری کاهش یافته بود که تامین ارز از سوی بانک مرکزی به سختی صورت می‌گرفت، به همین دلیل بانک مرکزی برای تامین این ارز مجبور شد از ذخایر خود استفاده کند؛ اتفاقی که با توجه به تغییراتی که در ترازنامه بانک مرکزی ایجاد می‌کند، منجر به افزایش پایه پولی، نقدینگی و در نهایت تورم می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در بخشی از گزارش خود درباره «طرح تامین کالاهای اساسی» با اشاره به افزایش ۱۵ درصدی پایه پولی به خاطر تداوم اجرای سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی در سال جاری اعلام کرد: «سیاستی که با هدف تثبیت قیمت کالاهای اساسی اجرا می‌شود، صرفنظر از میزان تحقق اهداف، منجر به افزایش قابل توجه پایه پولی، نقدینگی و در نهایت تورم شده است.» از دیدگاه مرکز پژوهش‌های مجلس، افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی در قالب تنخواه‌گردان خزانه، برداشت از منابع صندوق توسعه ملی (افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی) و تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی (کاهش ذخایر ارزی بانک مرکزی)، سه کانال اصلی این موضوع بوده‌اند که نهایتا منجر به افزایش پایه پولی شده‌اند. به عبارتی، تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به یکی از سه عامل افزایش تورم در ماه‌های اخیر تبدیل شده که در نوع خود، خبر تکان دهنده‌ای است. در همین زمینه، سید علی روحانی معاون اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: «آمار صادرات نفت ایران در پنج‌ماهه اول سال جاری کمتر از نصف ارز ترجیحی که تخصیص یافته است یعنی بیش از نصف آن چیزی که تخصیص پیدا کرده از ذخایر بانک مرکزی برداشت شده و با نرخ ۴۲۰۰ تومان برای واردات کالاهای اساسی اعطا شده است. ارزی که به‌جای واردات می‌توانست صرف مدیریت بازار ارز شود و بازار ارز را به نحوی کنترل کند که نرخ این حد و اندازه بالا نرود.»

پاسکاری مسئولیت

شرایط بگونه‌ای شد که حتی مسئولان دولت نیز بر زنجیره معیوب تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی و فاصله آن با سفره مردم تاکید داشتند. در این میان بانک مرکزی اعتقاد دارد مشکلات گرانی‌ها با وجود ارز ۴۲۰۰ تومانی به دلیل فقدان نظارت است: «علیرغم همه محدودیت‌ها و تنگناهای ناشی از تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه مردم عزیز کشورمان، بانک مرکزی با هماهنگی وزارتخانه‌های صمت، جهاد کشاورزی و بهداشت، طی شش ماه سال جاری جمعاً بیش از ۵۲۶۷ میلیون دلار تأمین ارز انجام داده است... انتظار می‌رود کارشناسان محترم در برنامه‌های یادشده، به مردم این پاسخ را بدهند که چرا کالاهای مذکور، با قیمت‌های متناسب با ارز ۴۲۰۰ تومانی به دست مصرف‌کنندگان نهایی نمی‌رسد.»

با این حال، هنوز پاسخی از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت در این زمینه داده نشده است؛ به نظر می‌رسد ادعای بانک مرکزی درباره نبود سیستم نظارتی درست باشد، اما به هر شکل، آنچه خروجی سیاست ارزی به شمار می‌آید عملکرد کلی «دولت» است. یعنی هرچند دولت توانسته ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی را در این ۲,۵ سال کاملا تامین کند، اما نتوانسته قیمت کالاهای اساسی را تثبیت کند.

راه‌های پیش‌رو

با توجه به اینکه در سال «جهش تولید» قرار داریم، باید یادآور بشویم که ارز ۴۲۰۰ تومانی به دلیل اینکه می‌تواند منجر به تامین ارزان مواد اولیه توسط واردکنندگان شود، انگیزه تولیدکننده را برای تولیدکالاهای اساسی از بین می‌برد، از همین رو، تداوم این سیاست در این شکل، به تولید نیز صدمه می‌زند. البته این موضوع و سایر معایت این سیاست به معنی حذف کلی یارانه ضمنی دولت به مردم نیست. شرایط اقتصادی به‌گونه‌ای است که اقشار بسیاری در دو سال گذشته آسیب معیشتی سهمگینی دیده‌اند و نباید نسبت به آنها بی‌تفاوت بود. برهمین اساس، دولت برای حمایت از مردم (خصوصا کسانی که بیشترین آسیب را دیده‌اند) اگر می‌خواهد همین روش (ادامه تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی) را ادامه دهد، باید سیستم نظارتی قوی‌ای ایجاد کند که هیچ‌کسی نتواند تخلفی انجام دهد؛ یعنی زنجیره‌ای را ایجاد کند که از ابتدای ثبت سفارش کالا تا اصابت به هدف، شفاف و قابل پیگیری باشد.

مسلما چنین اقدامی نیاز به طراحی و ایجاد یک سیستم پیچیده دارد و اگر ناممکن نباشد، به آسانی میسور نیست. البته دولت می‌تواند به روش‌های دیگری، به ازای هزینه‌ای که برای تامین ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌کند، تسهیلاتی مانند ارائه کالابرگ یا یارانه نقدی پرداخت کند، که از روش نخست، عملی‌تر و بهتر است.

داستان ریال

محمد غلامی

ریال چیست و چگونه ارزش‌گذاری می‌شود؟ شما هم مانند همهٔ ایرانیان هر روز از ریال استفاده می‌کنید و احتمالا شما هم به جای کلمهٔ ریال از تومان استفاده می‌نمایید. در این یادداشت به ساختار ریال و ارزش آن می‌پردازیم.

ریال از سال ۱۳۰۸ توسط رضاخان پهلوی به عنوان واحد پولی مدرن ایران تاسیس گردید. نام ریال از رئال اسپانیولی یا رویال انگلیسی به معنای پادشاهی گرفته شده است. ریال با پشتیبانی بانک‌های انگلیسی وارد فضای اقتصادی کشور شد و کم‌کم به ایرانیان تحمیل گردید.

در واقع ریال جایگزین تومان شد. البته هنوز مردم ایران قیمت، پرداخت و پس‌انداز خود را با تومان می‌سنجند و ریال را تا حد امکان نپذیرفته‌اند.

در زمان تاسیس ریال، هر گرم طلا به نرخ ۲/۷۳ ریال معامله می‌شد. اما کم‌کم معایب این سیستم پولی خود را نشان داد و پدیدهٔ جدیدی به نام تورم وارد زندگی ایرانیان گردید.

هر روز ارزش ریال تغییر می‌کرد و مشاغل مختلف را تحت تاثیر قرار می‌داد. نوسانات ریالی تا آنجا پیش رفت که دو سال بعد از تاسیس یعنی در سال ۱۳۱۰، هر گرم طلا به ۱۳/۶۵ ریال رسید و جامعه یک کاهش ارزش پولیِ ۵ برابری را در ۲ سال تجربه نمود.

کاهش ارزش ۲ میلیون برابری ریال در ۹۰ سال گذشته

سال	ارزش ۱ ریال به گرم طلای خالص	نرخ یک گرم طلا به ریال
۱۳۰۸	۰/۳۶۶۱۱۹۱	۲/۷۳
۱۳۱۰	۰/۰۷۳۳۲۲۳۸۲	۱۳/۶۵
۱۳۲۰	۰/۰۲۷۵۵۵۷	۳۶/۲۹
۱۳۳۶	۰/۰۱۱۷۳۱۶	۸۵/۲۳
۱۳۳۹	۰/۰۱۱۷۲۱۶	۸۵/۲۲
۱۳۵۰	۰/۰۱۰۸۰۵۵	۹۲/۵۴
۱۳۹۵	۰/۰۰۰۰۰۰۸۸	۱،۱۳۰،۰۰۰
۱۳۹۸	۰/۰۰۰۰۰۰۱۷	۵،۶۷۹،۰۰۰

تورم ناشی از کاهش ارزش ریال در سال ۱۳۲۰ به ۱۱۰ رسید. در این سال‌ها، رضاخان، کاهش ارزش ریال را نمی‌فهمید و با فشار بر بازار سعی می‌کرد قیمت‌ها را کنترل کند. نوسان ارزش ریال هنوز هم برای عده‌ای نامفهوم است.

داستان ریال به سال ۱۳۵۱ رسید. در این سال سعی شد یک قانون مشخص برای معلوم شدن ارزش ریال تعریف گردد و نوسانات پولی و جهالت دائمی ریال از بین برود.

قانون پولی و بانکی کشور در ۱۸تیرماه۱۳۵۱ تصویب گردید. در ابتدای این قانون به یک موضوع مهم یعنی تعریف ریال پرداخته شده است.

در مادهٔ ۱ بند ب از این قانون، قرار شد نسبت ریال با طلا ثابت گردد. به این ترتیب که هر یک ریال، معادل ۰/۰۱۰۸۰۵۵ گرم طلای خالص باشد.

یعنی با توجه به نرخ طلا در زمان تصویب این قانون، هر گرم طلا باید ۱۰۸ریال باقی بماند و ثابت شود. این تنها تعریفی بود که می‌شد برای ثابت کردن ارزش ریال در نظر گرفت. البته ارزش ریال در همان سال هم تغییر کرد و سیستم پولی و بانکی نتوانست به تعهد خود پایبند بماند.

پس از انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، سعی شد سیستم‌ها و نهادهای طاغوتی کنار گذاشته شوند. البته این اصلاح ساختارها در موضوع پول تغییری به وجود نیاورد و تنها به تغییر ظاهر اسکناس‌ها بسنده گردید.

در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۶۲ نیز قانونی تحت عنوان عملیات بانکی بدون ربا به پشتیبانی مرحوم هاشمی رفسنجانی تصویب شد و در بند ۴ از اهداف این قانون، بر ثبات ارزش ریال تاکید گردید. اما در همان سال هم ارزش ریال کاهش یافت و همچنان ادامه دارد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
WWW.CBI.IR

قانون پولی و بانکی کشور
مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ (با آخرین اصلاحات ۱۳۹۹/۲/۱۰)

۱۳۹۹/۲/۱۰

قسمت اول – پول

ماده ۱ –
الف – واحد پول ایران ریال است. ریال برابر صد دینار است.
ب – یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم (۰/۰۱۰۸۰۵۵) گرم طلای خالص است.
ج – تغییر برابری ریال نسبت به طلا به پیشنهاد بانک مرکزی ج.ا. ایران و موافقت وزیر امور اقتصادی و دارایی و تأیید هیأت وزیران و تصویب کمیسیون‌های دارایی مجلس شورای اسلامی[2] میسر خواهد بود.[3]
د – برابری پول‌های خارجی نسبت به ریال و نرخ خرید و فروش ارز از طرف بانک مرکزی ج.ا. ایران با رعایت تعهدات کشور در مقابل صندوق بین‌المللی پول محاسبه و تعیین می‌شود.[4]

۱۰هزار تومان = ۱ کیلوگرم طلا

حفظ ارزش ریال یک تعهد ملی است که روی تک‌تک اسکناس‌های ریالی با دو امضا تضمین شده است. براساس این تعهد، ریال باید با طلا ثابت باشد و نوسان ارزش نداشته باشد.

دو امضای وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی، تضمین سلامت رسیدهای طلایی است که به عنوان ریال در جامعه استفاده می‌گردد.

همهٔ ما اسکناس ۱۰ هزار تومانی را دیده‌ایم. طبق قانون پولی کشور، سیستم پولی و مالی کشور متعهد است که هر ۱۰۰ هزار ریالی رسید یک کیلوگرم طلای خالص باشد. در زمان نگارش این یادداشت، هر یک کیلوگرم طلا معادل بیش از ۱۷ میلیارد ریال است. این خسارت ۱۷۰۰۰۰ برابری همچنان ادامه دارد و با سرعت بیشتری به پیش می‌رود. به نظر می‌رسد اصلاح این سیستم اعتباری غیرممکن باشد و پذیرش این ساختار پولی و بانکی از ابتدا اشتباه بوده است. اکنون جامعه به کاغذهای امضا شده‌ای که هر روز تعهدشان زیر پا گذاشته می‌شود بی‌اعتماد شده و سعی می‌کند به پول واقعی با ارزش ذاتی بازگردد و از سیستم پولی رضاخانی آزاد گردد.

قوانین سختگیرانه کشورها درباره محصولات تراریخته

کشورها قوانین مختلفی درباره محصولات تراریخته دارند، از بازدارندگی کامل گرفته تا استفاده و واردات کنترل‌شده و تحت قوانین خاص؛ در این میان اتحادیه اروپا سختگیرانه‌ترین قانون‌ها را دارد.

به گزارش فارس، برخی کشورها قوانین بسیار سختگیرانه برای تولید، مصرف و توزیع آن دارند و برخی هم تا حدودی منعطف‌تر عمل کرده و با شروطی اجازه مصرف می‌دهند که برچسب‌گذاری هم یکی از شرط‌های اصلی است. در این گزارش تلاش می‌شود تا رفتار قانونی کشورها درباره محصولات تراریخته را معرفی کنیم.

اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا منطقه‌ای است که سختگیرانه‌ترین و در عین حال جامع‌ترین قوانین را برای محصولات تغییریافته ژنتیکی (GMO) دارد. این قوانین مشمول تولید و تغذیه و حتی محصولاتی که در آن تراریخته استفاده شود را شامل می‌شود. در اتحادیه اروپا سیاست‌ها و قوانینی برای اجتناب از عوارض ناشی از تولید محصولات تراریخته دارد و موجب نگرانی و انتقاد مصرف‌کنندگان، کشاورزان و فعالان محیط‌زیست است. ارزیابی‌های سختگیرانه‌تر بوده و مورد به مورد بررسی دقیق می‌شوند.

تمام تولید و استفاده از محصولات تراریخته بر اساس قوانین سختگیرانه اتحادیه اروپاست و در حالت کلی برخی از هزینه‌های اصلی این قوانین را آلوده‌کنندگان هوا پرداخت می‌کنند.

آرژانتین

آرژانتین سومین کشور بزرگ تولید محصولات بیوتک در جهان پس از آمریکا و برزیل است. محصولات تراریخته در آرژانتین تحت قوانین سختگیرانه قرار گرفته و این قانون اجازه توسعه و تولید محصولات بیوتکنولوژی را تحت مدیریت وزارت کشاورزی و امور دام این کشور اجرا می‌کند. آرژانتین هنوز به «پروتکل کارتاژنا» نپیوسته است.

بلژیک

کشور بلژیک محدودیت‌های متوسطی نسبت به محصولات تراریخته دارد. نگاه عمومی نسبت به تراریخته مثبت نیست و آن را دشمن سلامتی می‌دانند. اکثر قوانین و مقررات بلژیک در مورد محصولات تراریخته در حقیقت از مقررات اتحادیه اروپا گرفته شده است. روی هم رفته مقررات محصولات تراریخته در بلژیک اکثرا روی تولید، استفاده و توزیع آن متمرکز شده و محدودیت‌هایی درباره انتقال محصولات تراریخته به مزارعی که غیرتراریخته است وجود دارد و در این زمینه اطلاعات و اقدامات شفافی نیز دارند.

برزیل

در کشور برزیل دولت این کشور قوانین و مقرراتی را برای آزمایشگاه‌های این کشور طراحی کرده و همچنین مقرراتی را برای تحقیقات GMO دارد. همچنین قوانینی در مورد بازاریابی طراحی کرده است. محدودیت‌هایی درباره آزادسازی این محصولات به محیط زیست و کشت آنها دارد و همچنین برنامه‌های رصد و بررسی کشت تحقیقاتی تراریخته، آزادسازی آنها و نیز آزادسازی تجاری این نوع محصولات دارد.

همچنین در این کشور محدودیت‌های شدیدی در استفاده از محصولات تراریخته در صنایع غذایی وجود دارد. در نهایت برای متخلفان و کسانی که این قوانین را نقض می‌کنند، قوانین تنبیهی در نظر گرفته شده است.

کانادا

آژانس بررسی غذایی کانادا مسئول قوانین مربوط به تولید و تغذیه محصولات تراریخته حتی در حیوانات است. وزارت بهداشت و سلامت کانادا ملزم به ارزیابی سلامت غذایی این محصولات برای مصرف انسانی و همچنین محصولاتی است که تراریخته در آن به کار رفته است.

برچسب‌گذاری برای محصولات تراریخته در بخش غذا داوطلبانه است مگر اینکه نگرانی‌هایی برای سلامتی وجود داشته باشد.

چین

در چین محدودیت‌هایی توسط شورای حکومتی و وزارتخانه‌های مربوطه این کشور در سال ۲۰۰۱ اعمال شد. وزارت کشاورزی مقررات نه تنها برای میوه‌ها بلکه حیوانات، میکروارگانیزم‌ها، محصولاتی که از تراریخته به دست می‌آید در نظر گرفته شد. هر گونه آزمایش، تولید و بازاریابی محصولات تراریخته در چین منوط به داشتن مصوبه دولتی است.

شرکت‌های خارجی که محصولات تراریخته به این کشور صادر می‌کنند باید حتماً پیش‌تر مصوبه وزارت کشاورزی این کشور را داشته و پروتکل‌های سلامت را گذرانده باشد.

مصر

رویکرد کشور مصر در مورد محصولات تراریخته تقریبا منعطفانه است و سیاست‌های عمومی این کشور با پرورش و واردات و صادرات آن مخالفتی ندارد، اما فعالان محیط‌زیست در این کشور این سیاست را به شدت انتقاد می‌کنند. در قوانین مصر محدودیت‌هایی در مورد پژوهش، تولید و بازاریابی محصولات تراریخته و غذاهایی که از آن تولید می‌شود وجود ندارد.

در قوانین این کشور همچنین هیچ‌گونه محدودیتی برای آزادسازی محصولات تغییریافته ژنتیکی به محیط‌زیست هم دیده نمی‌شود. حتی پیش‌نویس یک قانون ایمنی زیستی در پارلمان این کشور به ثبت نرسیده است.

انگلیس

تولید و فروش محصولات تراریخته در انگلیس منوط به گذراندن فرایند قانونی است که در سطح همان قانون اتحادیه اروپاست. بسیاری از قانون‌گذاران انگلیس که در مورد محصولات تراریخته قانون وضع می‌کنند، همان قوانین اتحادیه اروپا را در نظر می‌گیرند. گرایش عمومی در انگلیس، عدم رضایت و انتقاد شدید از محصولات تراریخته است، اما اخیراً گرایش‌هایی هم برای استفاده از محصولات تراریخته گزارش شده است. در سیاست دولتی کشور انگلیس گرایش به استفاده از محصولات تراریخته دیده می‌شود.

فرانسه

تولید و فروش محصولات تراریخته در فرانسه قانونی است اما با محدودیت‌های زیادی همراه است. قوانین فرانسه تا حدود زیادی تابع مقررات اتحادیه اروپاست که محدودیت‌های فراوانی برای استفاده از این محصولات دارد. به ویژه در مورد منع آزادسازی این محصولات به محیط‌زیست تأکید می‌کند. همچنین برچسب‌گذاری هم در این کشور بسیار ضروری است.

در نتیجه چنین نارضایتی عمومی و محدودیت‌های قانونی در مورد محصولات تراریخته در حال حاضر هیچ تولید تراریخته‌ای و یا حتی واردات آن در این کشور وجود ندارد.

آلمان

در آلمان همواره با کشت محصولات تراریخته به شدت مخالفت شده، کشور آلمان محدودیت‌هایی را برای محصولات تراریخته‌ای که حتی به صورت تصادفی در محصولات غذایی وجود داشته باشند دارد و روش‌های بسیار سختگیرانه برای کنترل این محصولات و آزادسازی آنها وضع کرده است.

ایتالیا

ایتالیا به عنوان یک کشور عضو اتحادیه اروپا مشابه این اتحادیه نگرانی‌هایی را در مورد GMO طی دو دهه گذشته داشته، اما به نظر می‌رسد اکنون تا حدودی منعطف‌تر عمل می‌کند. در حقیقت بازتاب محصولات تراریخته در ایتالیا به این شکل است که افکار عمومی از مخالفت سرسختانه در دهه‌های گذشته کوتاه آمده است و برخی مناطق قوانین خود را در مورد تراریخته نسبت به دیگر مناطق ساده‌تر کرده‌اند.

لبنان

علی‌رغم اینکه این کشور قانون تنوع بیولوژیکی را در سال ۱۹۹۴ تصویب کرده و در سال ۲۰۰۸ به پروتکل کارتاژنا پیوسته است هنوز با محصولات تراریخته به راحتی کنار نیامده است. در حال حاضر هم قوانینی وجود دارد که به صورت غیرمستقیم مربوط به مسائل تراریخته هم می‌شود.

معدن؛ ضامن جهش تولید و ثروت ایرانی

ایران یکی از غنی‌ترین کشورها به لحاظ ذخایر معدنی است و می‌تواند با فرآوری این ذخیره‌های خدادادی، اقتصاد خود را از تکیه صرف بر نفت و مشتقات آن نجات بدهد. در گزارش وال‌استریت، نفت، گاز، زغال‌سنگ، جنگل و چوب، طلا و نقره، مس، اورانیوم، آهن خام و فسفات که همگی از منابع مهم جهانی هستند، به‌عنوان شاخص ثروت در نظر گرفته شده‌اند. ایران در ۶۸ نوع ماده معدنی، نفت و گاز، کشوری غنی است.

امسال از سوی رهبر معظم انقلاب به نام «جهش تولید» نامگذاری شده و یکی از بخش‌هایی که با مشخصه درون‌زایی و برون‌گرایی می‌تواند ضامن این جهش باشد، بخش معدن است که به همراه صنایع معدنی باید شش تا شش و نیم درصد از سهم تولید ناخالص داخلی را در برنامه ششم توسعه به خود اختصاص دهد.

از هشت هزار میلیارد دلار گردش مالی بخش صنعت دنیا در سال، ۲۲۰۰ میلیارد دلار آن (حدود ۳۰ درصد) مربوط به بخش معدن است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که از ۱۸۰۸میلیون تن فولاد در جهان سهم ایران ۲۴/۵ میلیون تن است. از ۷۳۰۰ میلیون تن تولید زغال سنگ در جهان سهم ایران حدود دو میلیون تن، از ۴۲۰۰ میلیون تن تولید سیمان در جهان سهم ایران برابر با ۵۳ میلیون تن، از ۲۲۰۰میلیون تن تولید سنگ آهن در جهان، سهم ایران برابر با ۷۶ میلیون تن و از ۲۰/۵ میلیون تن تولید مس در جهان، سهم ایران حدود ۲۴۰ هزار تن است.

در بخش تجارت خارجی هم ایران در بخش معدن و صنایع معدنی با صادرات ۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۹۷، سهم ۲۱ درصد از ارزش کل صادرات کشور را به خود اختصاص داده است. فولاد و محصولات فولادی با هشت میلیون و ۹۰۰ هزار تن به ارزش چهار میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار در رتبه اول صادرات زنجیره معدن قرار دارد.

سهم معدن از GDP (تولید ناخالص داخلی) سال ۲۰۱۷ در آفریقای جنوبی هشت درصد، سهم شیلی ۱۰ درصد، سهم استرالیا ۶ درصد و سهم روسیه هشت و نیم درصد است. اما سهم معدن از اقتصاد ایران چقدر است؟ مجموع ارزش تولیدات صورت گرفته در بخش معدن طی سال ۱۳۹۶ حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بوده است که نشان‌دهنده سهم هفت دهم درصدی این بخش از GDP است. این در حالی است که سهم معدن از GDP کشور طی ۶۰ سال گذشته بیشتر از یک درصد نبوده است. سهم نزولی معدن از GDP طی پنج سال بر اساس آمار بانک مرکزی از رقم یک و سه صدم درصد سال ۹۱ به ۶۸ صدم درصد در سال ۱۳۹۶ رسیده است.

ثروتی معادل کل اقتصاد چین

همچنین سهم مستقی